

# درباره فرامرزان



فرامرزان دهستانی است از توابع بخش جناح شهرستان بستک که در غرب استان هرمزگان در جنوب ایران واقع شده است. دهستان فرامرزان در مسیل فوقانی رودخانه مهران واقع شده است و دهات آن در دو طرف مسیر رودخانه قرار گرفته اند

جمعیت دهستان فرامرزان طبق سرشماری عمومی نفوس و مسکن در سال ۱۳۸۵، برابر با ۱۰۸۰۸ نفر بوده است. که از اهل سنت و از شاخه شافعی هستند یعنی از پیروان [امام محمد ادریس شافعی](#) می باشند و به زبان فارسی و گویش محلی تکلم می کنند. گویش ولجه ساکنین فرامرزان اصلیت که نقطه اشتراک و فرهنگ و یا حتی به تعبیری مرز بندی فرامرزان و آنچه که ما امروز با نام فرامرزان می شناسیم را شکل داده است.

محدوده فرامرزان از شمال به کوه کُماخُن و دهستان حومه، از جنوب کوه [داربست](#)، و کوه گچویه و شیبکوه، از مغرب به گردنه خنجی و کوه تَرکی حمیران و دهستان اشکنان، و از سمت مشرق به کهتویه و جناح منتهی می شود.

این دهستان از از روستاهای پای تاوه-چاله-داربست-گچویه-گزه-دهنو خواجه-هنگویه-خمر-قلندران-کنارسیاه و به مرکزیت کمشک تشکیل شده. هرچند در تقسیم بندی های جدید برخی از این روستاها از فرامرزان جدا شده ولی آنچه که هرگز تغییر نخواهد کرد فرامرزی بودن این روستاهاست.

بزرگترین روستا در این منطقه از لحاظ جمعیت هنگویه بوده که در مرکز فرامرزان قرار دارد. فرامرزان دارای جاذبه های گردشگری

فراواوانیست که مهم ترین آن را کوهستان های بکر و جذاب تشکیل میدهد از جمله [کوههای کمشک، گچویه، پای تاوه، گزه و...](#) فرامرزان از دیر باز به عنوان قطب فرهنگی و علمی بستک نمودار بوده و همواره رجال علمی، فرهنگی، و سیاسی آن از جمله برادران فرامرزی شناخته شده و دارای کتب ها و مقالات فراوان بوده اند. از جمله مهم ترین کتاب ها میتوان به کتاب فرهنگ فرامرزان به قلم حسن فرامرزی اشاره کرد که ایشان در باب تالیف کتابش چنین مینویسد:

آنزمان که همشهری محقق و فاضلم آقا ی دکتر اقتداری کتاب با ارزش ( فرهنگ لارستانی ) تنظیم کرد برآن شدم که فرهنگی درباره لهجه و گویش بلوک فرامرزان تدوین کنم. ولی کارهای دیوانی اجازه انجام آن را به من نداد .... اینک پس از فراغت از کار دیوانی این کتاب آماده شده است که شاید نخستین پژوهش درباره زبان و گویش مردم فرامرزان باشد. مردمی سخت کوش و گردن فراز که به رغم بخل طبیعت و بی مهری تاریخ عمیق ترین پیوند را با فرهنگ و ادب سرزمین ایران حفظ کرده اند.

سپس وی به معرفی [بلوک فرامرزان](#) می پردازد و می نویسد که :

فرامرزان بلوکی در شمال بتدر لنگه و در جنوب غربی بستک که بخش کوچکی از [لارستان](#) بوده که در تقسیمات کشوری از آن جدا شده و تابع بندر عباس گشته است .

و به دنبال آن مولف تک تک روستا های فرامرزان را نام می برد که شامل : گچویه - کمشک - هنگویه - کنار سیاه ( کوال ) - عالی احمدان - قلندران - دهنو خواجه - پای تاوه - چاله - دابست - گزه - زین الدینی پاهین - میستان - گابست - لاور کال - خین - غدیر صابری - غدیر کوهی می باشند .

از نظر کار زبان شناسی کتاب در واقع [فرهنگ واژگانی منطقه فرامرزان](#) است که در حدود دوهزار و پانصد کلمه را در خود جای داده است . واژه ها به صورت الفبایی تنظیم شده و در مقابل هر واژه که به حروف فارسی نوشته شده آوا نگاری لاتین هم آمده و به فارسی معنا شده است . از این نظر که واژه های زبان لارستانی گرد آوری شده آوانگاری هم شده است ارزش این کتاب را به عنوان مرجعی از زبان لارستانی و پژوهشهای مربوط به این زبان بالا می برد . واژه های گرد آمده مربوط به همه ی روستا های منطقه فرامرزان است و نویسنده البته روستای گچویه ( زادگاهش ) را مبنا قرار داده و هرکجا که

لازم بوده در جلو هر واژه روستایی که واژه مربوط به آنجاست را ذکر کرده است. در پایان کتاب هم وجوه صرفی چند فعل از [زبان لارستانی](#) در زمانهای مختلف گذشته و حال صرف کرده و آورده است که خود جالب توجه است چراکه این کار کوششی به حساب می آید قبل از تالیف کتاب ارزشمند دستور زبان لارستانی از لطفعلی خنجی و در واقع فتح بابی است در آن جهت .

حسن فرامرزی خود در کتاب متذکر شده است که در تالیف کتاب از راهنمایی استادانی نظیر احمد تفضلی - احمد اقتداری - حمید ایزدپناه - و دو دانشمند زبان شناس ژاپنی بهره برده است .

این کتاب در سال ۱۳۶۳ و در تیراژ ۲۰۰۰ نسخه در تهران به چاپ رسیده است .

دندان شیری	dedoné síri	دَدَن شیری
دندان قروچه	dedon korooóoo	دَدَن کَرُوچُو
دیدن	dedah	دَدِه
دادن	dadah	دَدِه
بیرون	dar	دَر
بیرون	door	دُور (ک)
گوشواره	dor	دَر
خمیازه	deráxarah	دِرَاخِرِه (ک)
خمیازه	doráxara	دِرَاخِرِه
بلند و بدقواره	doráz-o-dangal	دِرَازُو دَنگَل
بشکه	dorám	دِرَام (ک)
بشکه	derám	دِرَام
یک نخ کبریت	daré taáoo	دِرَتَشُو
نردبان	daraj	دِرَج
دوجین	darjan	دِرَجِن
بیماری واگیر- اپیدمی	derex	دِرَخ
دراز	daraz	دِرَز
زردچوبه	darezard	دِرَزَرْد
دوجین	darzan	دِرَزَن
طول- درازا	darazi	دِرَزِي
طول- درازا	derázi	دِرَازِي (ک)
درفش - ابزار پینه دوزی	daras	دِرَش
درفش - ابزار پینه دوزی	deras	دِرَش (ک)
ظرفیت	daras	دِرَش (ک)
ظرفیت	dareś	دِرَش
تشک گهواره	darakoo	دِرکُو
میله های چوبی نامنظم مشابه دار بست که درخانه های صحرائی درست کنند	darakoo	دِرکُو